

## نظری بمکتب ادیان و فلسفه احکام

( ۴ )

بحث ما درباره دو موضوع بود :

۱ - دین حق در نزد پروردگار عالم  
یکست و خداوند پیغمبران متعدد پی در پی  
بمقتضای زمان ارسال فرموده تا مردم را بسوی  
آن دعوت نمایند و اساس دین از توحید و  
نبوت و معاد و اصول احکام یکسانست گرچه  
از جهت خصوصیات تفاوتی داشته باشد .

۲ - فلسفه احکام دین تنها نفع و ضرر  
جسمانی و صحت و سقم بدن انسانی نبوده بلکه  
منافع و مضار روحی و معنوی انسان که مناط  
ارزش وجودی بشر است بیشتر مورد توجه  
میباشد .

اکنون دنباله گفتار ما پیرامون موضوع

اول :

رویه علوم انسانی و مطالعات فرسنگی

نظری دقیق بمقصود

راز مبر و کشف احکام

کتمان حقیقت

اعتراف بجرم



نظری دقیق بمقصود

از آنچه گذشت دانسته شد که اصول محرمات که در اسلام مورد نهی قرار گرفته  
پیغمبران سابق نیز مردم را از آنها نهی فرموده اند گرچه مردمیکه در این زمانها  
خود را نسبت به پیروی پیغمبران گذشته میدهند عملاً پابند نبوده و گذشته از آنکه

از ارتکاب آنها خودداری نمیکنند صدور آنها را بطور ناشایسته‌ای به پیغمبران و اولیاء خدا نسبت میدهند و حتی تحریف و تغییراتی در کتب آسمانی داده و قسه - هائیکه با موازین عقل سازش ندارد در مورد پیشوایان نشان نقل میکنند که ممکن است بعدها بموارد خصوصی آن اشاره شود ولی با آنچه قبلاً اشاره شد از برهان عقلی ( اگر این محرمات و منهیات ضرر و مفسده ذاتی دارند و با وجود آن پیغمبران گذشته برای امتشان تجویز نموده‌اند پس آنان وظیفه خود را ایفاء ننموده و آنچه سایسته راهنمایی مردم بوده بعمل نیاورده‌اند بلکه موجبات گمراهی جامعه را که خود مستلزم خیانتی است فراهم آورده‌اند و هر گاه این محرمات هیچگونه ضرر واقعی ندارند محروم نمودن پیغمبر اسلام امت خود را از استفاده ولذت - بردن و مزایای آنها عملی ناپسند است و هر يك از این دو محذور برخلاف بداهت عقل است ) بضمیمه شاهد نقلی از داستان نجاشی و جعفر طیار و نظائر آن بخوبی بدست میآید که آنچه در قرآن مجید تحریم شده از قبیل زنا و میخوارگی و قمار و خوردن گوشت سگ و خوک و مردار و غیره حرمت آنها بوسیله پیغمبران گذشته نیز بمردم اعلام شده است.

چنانچه قرآن در مورد بسیاری از محرمات اشاره بجهت و سبب عمومی تحریم آنها فرموده است مانند آنکه شراب و قمار و برد و باختهای شانس و لاتار را پلیدی و کردار شیطانی معرفی فرموده است (سوره مائده - ۹۵).

و بدیهی است که این راز اختصاص بیک ملت مخصوص ندارد گر چه ممکن است تعیین مجازات و حدود به نسبت زمان و مقتضیات عصر مختلف باشد و بر حسب صلاحیتهائیکه شاید بر همه کس مکشوف نباشد تفاوت پیدا کنند و نیز اصول واجبات و عبادات چون نماز و روزه و زکوة و حج و احسان بپدر و مادر و انفاق بزیر دستان و مستمندان یکسان بوده هر چند در کیفیات و خصوصیات و طرز اداء آنها تفاوت است .

### راز متروک شدن احکام

اکنون جای یک سؤال باقی میماند که آیا راز تغییر احکام و انکار جمعیت‌های وابسته بتوراة و انجیل چیست و چرا در کتابهایی که بنام تورات و انجیل خوانده

میشود اثری از این منهیات و احکام الهی بچشم نمیخورد ؟  
ولی پاسخ این پرسش از مطالعه تاریخ و کنجکاوی در وضع بزرگان یهود و نصاری و نابودی معنویت در میان آنها و حس خودخواهی آنان بخوبی آشکار میشود و بدست میآید که عامل مؤثر برای از بین رفتن احکام و انقلاب مقررات ثابته الهی، خواسته های نابجای متنفذین و مردمان شهوتران قرون گذشته بوده است .

جای تردید نیست که احکام دینی که توسط حضرت موسی و حضرت عیسی (ع) برای مردم آمده دستخوش تمایلات نفسانی و سودجویی کشیشان محافظه کار قرار گرفته و خواه ناخواه قوانین تغییر ناپذیر الهی مطابق میل و خواسته اشخاص در آمده است و حدود و مقررات جزائی و کیفری الهی که غیر قابل استثناء بوده در اثر برخورد با خودسری و خیانت و جنایت مردم صاحب نفوذ و بوالهوسان اشرافی و افراد وابسته بحکام و زمامداران مدتی تبمیز شده و رفته رفته بطور کلی تعطیل شد و علمای کتب آسمانی بجهت رعایت خوش آمد آنان کتمان حق نموده آیات الهی را در بوته فراموشی گذارده و مقررات دینی را نادیده گرفتند .

### کتمان حقیقت

قرآن مجید شدیداً از این حقکشی علمای یهود و نصاری و کتمان حقیقت تو بیخ نموده و آنان را در برابر این ناجوانمردیها بمقوبت دردناکی تهدید میفرماید و پیغمبر گرامی اسلام مکرراً از این قبیل خیانتهای اهل کتاب که عبارت از پوشیدن حق و تبدیل حکم الهی بوده پرده برداری میفرموده و گاهی بطرز شگفت-انگیزی آنان را وادار باعتراف و اقرار بجرم خود مینمود .

چنانچه وقتی یکی از مردان متشخص یهود با زنی از اشراف خیبر زنا کرده بود و اتفاقاً هر يك از آنان همسر داشتند و البته در اینصورت این عمل منافی عفت بالنسبه بهر يك از آنها زناى محصنه محسوب میشد که مجازاتش بنا بر مقررات قطعی الهی رجم یعنی سنگسار است. یهودیان از نظر شخصیت خانوادگی آند و مایل نبودند که بحکم تورات که رجم است عمل کنند و از طرفی احساسات عمومی هم اجازه نمیداد که آنها را رها کنند بناچار تصمیم بر این گرفتند که پیغام برای یهودیان مقیم

مدینه بفرستند تا آنها راجع بحکم زناى محصنه به پیغمبر اکرم مراجعه کنند بطبع اینکه شاید کیفر این عمل در اسلام مجازاتی آسانتر باشد لذا سفارش نمودند که اگر محمد هم مانند حکم تورات فتوی برجم داد قبول نکنند و اگر مجازاتی آسانتر بگویند بپذیرند تا باین دستور عمل شود .

عده ای از بزرگان یهود مدینه نزد پیغمبر اکرم (ص) آمدند و سؤال از مجازات مردوزنیکه هر کدام با داشتن همسر زنا کنند نمودند حضرت فرمود: آیا بقضاوت من راضی هستید؟ گفتند بلی! فرمود: خداوند در چنین مورد دستور سنگسار داده آنها وقتی چنین شنیدند از قبول خودداری نمودند حضرت فرمود: در تورات موسی هم حکم همین است یهودیها جدا انکار نمودند حضرت فرمود: آیا این صوریا را که مقیم فدک است میشناسید؟ گفتند: چطور نمیشناسیم در صورتیکه بزرگترین عالم تورات است و در روی زمین کسی از او آشناتر بعلم تورات نیست. فرمود: آیا او را بحکمیت در آنچه میگویم میپذیرید؟ پاسخ دادند: آری! آنگاه کسی را فرستادند تا او را ببیند و وقتی حاضر شد، حضرت باو فرمود: ای ابن صوریا اترا سوگند میدهم بآن خدائیکه تورات را بر موسی نازل کرد و در یارای برای شما شکافت و شما را از جنگال دشمنان نجات داد و فرعونیان را غرق و نابود نمود، آیا در تورات حد سنگسار برای کسیکه زناى محصنه کند هست یا خیر؟ ابن صوریا گفت: بلی. اما بدان که اگر سوگندی باین شدت نمیدادی هر آینه اعتراف نمیکردم، زیرا ترسیدم! گرد و رخ بگویم و یا تغییری در حکم بدهم پروردگار تورات مرا بسوزاند. آنگاه عرض کرد: یا محمد! آیا حکم در نزد شما چگونه است؟ فرمود هر گاه چهار شاهد عادل گواهی دهند با شرایط مخصوصی بوقوع زنا از کسی که دارای همسر است چه زن باشد و چه مرد باید سنگباران شود. ابن صوریا گفت: خدا گواه است که در تورات نیز چنین است.

### اعتراف بجرم

حضرت پرسیدند که چه شد شما این حکم را از بین بردید؟ ابن صوریا گفت: جهت این بود که هر گاه این نوع زنا در فامیلهای متشخص و شریف واقع میشد صاحب نفوذ آن فامیل مانع از اجرا این قانون بود، ولی تاملتی نسبت بضعفاء اجرا میشد،

روی این سبب زنادرمیان اشراف زیاد شد تا اینکه پسر عموی سلطان زنا کرد روی اصل بستگی زناکار بدربار سلطنت نتوانستیم قانون کیفری را اجرا کنیم ، اتفاقاً مقارن با همان زمان مرد دیگری مرتکب این عمل شنیع شد ولی اجراء مراسم سنگسار در مورد این شخص موجب اختلافاتی شد زیرا فامیل آن مرد نهضت کرده گفتند ما نمیگذاریم رجم در مورد این مرد جاری شود تا مادامیکه در مورد فلانی یعنی پسر عموی سلطان اجرا شود بناچار تصمیم گرفته شد که این حکم تغییر داده شود و جای آن چهل ضربه شلاق زده شود و مجرم را وارونه سوار الاغ نموده صورتش را سیاه کنند و در شهر بگردانند ، و قتیکه این صوری شرح خیانت کاری و حقیقی های علمای یهود را داد مورد اعتراض و سرزنش یهودیان قرار گرفت سپس حضرت دستور دادند تا آن مرد وزن مجرم مورد بحث را دستگیر نمودند و مراسم سنگباران را در نزدیکی درب مسجد در باره آن دو اجراء کردند پس این آیه نازل شد : **یا اهل الکتاب قد جاءکم رسولنا یمین لکم کثیراً مآما کنتم تخفون من الکتاب** (آیه ۱۸ ما فاده) آنگاه این صوری با سؤالاتی چند از امور مختلفه بعنوان آزمایش از رسول اکرم (ص) نموده سپس گفت : خدا را گواهی میکنم که آنچه جواب میدهی مانند احکام تورات است که فعلاً تغییر کرده و مردم مطلع نیستند و مسلمان شد . اسلام این صوری موجب خشم شدید یهودیان گردید و لذا زبان بدشنام و ناسزا نسبت پاوگشودند .

پرتال جامع علوم انسانی

### قطعه سنک درشت !

قطعه سنگی درشت که مانع و عایق راه اشخاص ضعیف و درمانده است ، در راه نیر و مندان و صاحبان اراده قوی و استوار ؛ به نزله پله ای است که برای رسیدن به هدفهای بالاتر از آن استفاده میکنند ،  
( ۵ لوتر - دهقان روز - فروردین ۱۳۵۰ )